



توافق قفقاز : فرصت‌ها و دام‌های یک صلح آمریکایی

روز ۸ آگوست دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، میزبان رهبران ارمنستان و آذربایجان در خاک سفید بود تا از چارچوبی رومانیی کند که پتانسیل پایان دادن به دهه‌ها درگیری خونین در قفقاز جنوبی را دارد. هر چند بسیاری از مؤلفه‌های این توافق از حدود یک سال پیش بر روی میز قرار داشت، اما برگزاری این مراسم رسمی در واشنگتن، یک فوریت سیاسی برای اقدام سریع و تثبیت آن ایجاد می‌کند.

محور اصلی این توافق، موافقت ارمنستان با گشایش یک نوار ۴۳ کیلومتری در خاک خود برای ایجاد یک کریدور تحت مدیریت آمریکاست. این مسیر، خاک اصلی آذربایجان را به منطقه جدا افتاده نخجوان، که از نظر استراتژیک با ایران و ترکیه هم‌مرز است، متصل می‌کند. هدف نهایی این است که کریدور ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی (TRIPP)، به بخشی حیاتی از یک مسیر تجاری بزرگ تبدیل شود که آسیای مرکزی را از طریق آذربایجان، ارمنستان و ترکیه به بازارهای جهانی پیوند می‌دهد.

هر چند این دستاورد، نقطه عطفی است که شایسته تقدیر است، اما تجربه چندین دهه مذاکرات صلح به من آمخته که ناظران بین‌المللی معمولاً با احساس رضایت از پیشرفت‌های حاصل شده، مراسم را ترک می‌کنند، در حالی که طرفین اصلی مناقشه، ذهن خود را معطوف به آن چیزهایی می‌کنند که به دست‌نیاورده‌اند.

اولین و بزرگ‌ترین مانع این است که حداقل تا یک سال آینده، توافقی نهایی به دست نخواهد آمد. آذربایجان اصرار دارد که ارمنستان باید هرگونه اشاره در قانون اساسی خود به دوره‌هایی که بر بخش‌هایی از خاک آذربایجان کنونی، از جمله مناطق تاریخی ارمنی‌نشین، حاکمیت داشته را حذف کند. این یک خواسته بسیار حساس و مرتبط با هویت ملی است. هرگونه اصلاح در قانون اساسی ارمنستان تا پیش از انتخابات سال آینده این کشور ممکن نخواهد بود؛ انتخاباتی که اکنون سرنوشت آن به طور کامل تحت‌الشعاع همین‌موضوع مناقشه‌برانگیز قرار خواهد گرفت و می‌تواند به ابزاری برای تضعیف دولت حاکم تبدیل شود.

مسئله دیگر، نادیده گرفتن بازیگران کلیدی است که همکاری آن‌ها برای موفقیت کریدور ضروری است. روسیه، ایران و ترکیه، سه قدرتی که به طور مستقیم تحت تأثیر این کریدور قرار می‌گیرند، از این توافق کنار گذاشته شده‌اند. عدم قطعیت درباره آینده بلندمدت کریدور، می‌تواند بازیگران فرصت‌طلب را برای کسب سودهای سریع جذب کرده، به فساد مالی دامن بزند و پروژه را در برابر قدرت‌هایی که خواهان شکست آن هستند، آسیب‌پذیر کند.

در این شرایط، اتحادیه اروپا می‌تواند نقشی حیاتی ایفا کند. سرمایه اروپایی، با ارائه سازوکارهای شفاف و قابل اعتماد، می‌تواند بهترین گزینه برای بیمه و تأمین مالی این پروژه عظیم باشد. اما این امر مستلزم آن است که اتحادیه اروپا کمک‌ها و سرمایه‌گذاری خود در ارمنستان را به میزان قابل توجهی افزایش دهد و خود را برای مقابله با یک روسیه‌ی جسورتر آماده کند؛ به ویژه آنکه به نظر می‌رسد آمریکا تمرکز خود را از حمایت فعالانه از دولت نیکول پاشینیان و تأمین زیرساخت‌های دموکراتیک در ارمنستان برداشته است.

ایا سرنوشت کریدور TRIPP، تکرار تجربه تلخ «دریاچه ترامپ» خواهد بود؟ آن پهنه آبی در مرز صربستان و کوزوو که رئیس‌جمهور سابق آمریکا تلاش کرد نام خود را بر آن بگذارد، بدون آنکه ریشه درگیری را حل کند. پرسیدن چنین سوالی پس از یک رویداد مثبت، دشوار است، اما ضروری است.

سایه روسیه نیز همچنان سنگینی می‌کند. هر چند این توافق پیامی برای مسکو بود، اما سازش احتمالی ترامپ با پوتین می‌تواند به روسیه قدرت و آزادی عمل بیشتری برای تشدید نفوذ خود در قفقاز، به‌ویژه در انتخابات آتی ارمنستان، بدهد.

در نهایت، موفقیت این پروژه بدون همکاری ترکیه غیرممکن است. کریدور TRIPP تنها زمانی به یک شاهراه تجاری جهانی تبدیل می‌شود که به بنادر ترکیه دسترسی داشته باشد، اما مرز ارمنستان و ترکیه همچنان بسته است. تا آن زمان، این کریدور تنها به باکو خدمت خواهد کرد. اینجاست که سرمایه اروپایی، با تکیه بر شفافیت و دانش فنی، می‌تواند تضمین‌کننده موفقیت بلندمدت پروژه باشد. مراسم واشنگتن گامی مهم بود، اما علت اصلی درگیری را حل نکرد. اکنون فرستادگان ویژه آمریکا باید سریع عمل کنند و اروپا نیز باید با ایفای نقشی کلیدی در طراحی و تأمین مالی، به کاهش ریسک‌ها و تحقق وعده صلح کمک کند.



محمدحسین لطفالهی

خبرنگار بین‌الملل

برای بیش از یک دهه، امکان اقدام نظامی آمریکا علیه ونزوئلا و استفاده از زور برای سرنگونی دولت نیکلاس مادورو، احتمالی بود که بسیاری از کارشناسان درباره آن گمانه‌زنی می‌کردند. فرمان اجرایی اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در خصوص مقابله با «کارتل‌های مواد مخدر و گروه‌های تروریستی» و استقرار ناوهای آمریکایی در جنوب دریای کارائیب ریسک تقابل نظامی میان آمریکا و ونزوئلا را بیش از هر زمان دیگری افزایش داده است.

آمریکا از زمان مرگ هوگو چاوز و آغاز به کار دولت مادورو، در چند مرحله برای سرنگونی دولت ونزوئلا تلاش کرد. تحریم گسترده، فشار سیاسی و ایجاد اجماع در میان متحدان برای به رسمیت شناختن خوان گویادو رهبر وقت اپوزیسیون به‌عنوان رئیس‌جمهور قانونی ونزوئلا از جمله این تلاش‌ها بود. این بار اما با افزایش تحرکات نظامی آمریکا در منطقه دریای کارائیب و صدور یک فرمان مبهم و محرمانه از سوی ترامپ باعث شده تا نگرانی‌ها از بروز یک درگیری نظامی بیشتر شود.

اوایل آگوست، دونالد ترامپ به‌طور محرمانه فرمانی را امضا کرد که به پنتاگون اجازه می‌داد برای مقابله با کارتل‌های مواد مخدر و گروه‌هایی در آمریکای لاتین که از نگاه دولت ایالات متحده «تروریستی» به حساب می‌آیند، از نیروی نظامی استفاده کند. بر اساس گزارش نیویورک‌تایمز و به نقل از یک مقام آگاه آمریکایی، این فرمان به وزارت دفاع اجازه می‌دهد نیروهای نظامی آمریکا را در محدوده سرزمینی یا در آب‌های متعلق به کشورهای دیگر به کار گیرد. این اتفاق در حالی رخ داد که روز ۲۵ جولای، وزارت خزانه‌داری آمریکا با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که «کارتل خورشیدها به رهبری نیکلاس مادورو» را تحریم و به عنوان گروه «تروریستی» شناسایی کرده است.

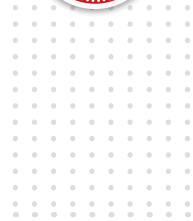
از زمان صدور این فرمان تحرکات نیروهای نظامی آمریکا در دریای کارائیب افزایش یافته و تعدادی از ناوهای آمریکایی در جنوب دریای کارائیب در نزدیکی آب‌های ونزوئلا مستقر شده‌اند. سی‌ان‌ان در گزارشی نوشته است که پس از فرمان ترامپ تعداد نیروهای آمریکایی در دریای کارائیب نسبت به گذشته بیش از دو برابر شد. رويترز به نقل از منابع آگاه، مدعی شد که سه ناوشکن به همراه ۴۵۰۰ هزار پرسنل نظامی در نزدیکی آب‌های ونزوئلا استقرار یافته‌اند. از نگاه دولت ونزوئلا این اقدامات آمریکا یک تهدید آشکار به حساب می‌آمد. مادورو روز دوشنبه ۱۸ آگوست در یک سخنرانی اعلام کرد که با دستور او بیش از ۴/۵ میلیون نیروی شبه‌نظامی در سرتاسر ونزوئلا مستقر خواهند شد تا «هیچ امپریالیستی جرأت نکند به ونزوئلا قدم بگذارد». به گفته او، این شبه‌نظامیان «آموزش دیده، مسلح و کاملاً آماده» هستند.

رئیس‌جمهور ونزوئلا در این سخنرانی، تهدیدهای ایالات متحده را «گرافه‌گویی» توصیف کرد و گفت: «ما از خاک، دریا و آسمان کشورمان دفاع می‌کنیم. ما این سرزمین را آزاد کرده‌ایم و هیچ امپریالیستی به خاک ونزوئلا قدم نخواهد گذاشت.»

▼ هدف واقعی دولت ترامپ چیست؟

مقام‌های ارشد آمریکایی تا این جای کار تلاش کرده‌اند که واکنش زیادی به گزارش‌ها نشان ندهند و اطلاعات زیادی را درباره جزئیات عملیات‌ها و آنچه در ذهن سیاست‌گذاران بوده فاش نکنند. روز پنجشنبه ۲۱ آگوست، کارولین لویت سفیر دولت کاخ سفید در پاسخ به سوالی پیرامون قصد و نیت واقعی دولت آمریکا از اقدامات اخیر و اینکه آیا آمریکا قصد دارد به خاک ونزوئلا نیرو اعزام کند، جواب روشنی ارائه نداد و ترجیح داد با «نامشروع»

آمریکای لاتین



اوایل آگوست، دونالد ترامپ به‌طور محرمانه فرمانی را امضا کرد که به پنتاگون اجازه می‌داد برای مقابله با کارتل‌های مواد مخدر و گروه‌هایی در آمریکای لاتین که از نگاه دولت ایالات متحده «تروریستی» به حساب می‌آیند، از نیروی نظامی استفاده کند. بر اساس گزارش نیویورک‌تایمز و به

نقل از یک مقام آگاه آمریکایی، این فرمان به وزارت دفاع اجازه می‌دهد نیروهای نظامی آمریکا را در محدوده سرزمینی یا در آب‌های متعلق به کشورهای دیگر به کار گیرد

خواندن ریاست‌جمهوری نیکلاس مادورو و ارجاع به کیفرخواست صادرشده علیه مادورو در دوره نخست ریاست‌جمهوری ترامپ در خصوص نقش داشتن مقام‌های ارشد کاراکاس در نقل و انتقال مواد مخدر اشاره کند.

به گفته لویت، ترامپ «آماده شده تا از هر ابزار قدرت آمریکا استفاده کند تا جلوی ورود مواد مخدر را بگیرد و عوامل این کار را به دست عدالت بسپارد.» او افزود: «رژیم مادورو یک دولت قانونی نیست، یک کارتل تروریستی است.»

نیویورک‌تایمز به نقل از منابع آگاه نوشته است: «سه فروند ناوشکن مجهز به موشک‌های هدایت‌شونده به آب‌های ونزوئلا نزدیک شده‌اند. گروه آبی-خاکی آماده به‌رزم ایوو جیما شامل ناوهای یواس اس سن آنتونیو، یواس اس ایوو جیما و یواس اس فورث لاردیل با ۴۵۰۰ نیروی رزمی و همچنین یگان ۲۲ تفنگداران دریایی با ۲۲۰۰ تفنگدار دریایی نیز در منطقه مستقر شده‌اند. چندین فروند هواپیمای شناسایی A-P و چند زیردریایی نیز به منطقه اعزام شده بودند.»

دو فروند از سه فروند ناوشکن اعزام شده به جنوب دریای کارائیب، ناوشکن‌هایی بودند که پیش از این در عملیات علیه حوثی‌های یمن مشارکت داشتند. استقرار این گروه بزرگ نشان می‌دهد که هدف ایالات متحده صرفاً کارتل‌های مواد مخدر نیست. یک مقام سابق دفاعی آمریکا در این باره به رسانه‌ها گفته است: «استقرار این حجم نیرو و تجهیزات برای مقابله با کارتل‌های مواد مخدر شبیه به این است که یک توپ خودکششی بزرگ را برای مقابله با یک درگیری خیابانی با سلاح سرد اعزام کنید.»

نیروی دریایی آمریکا همواره در این مناطق گشت‌زنی داشته و تلاش می‌کرد شناورهای مشکوک را متوقف و در صورت سرپیچی به آن‌ها شلیک کند. تغییرات ایجادشده پس از فرمان اجرایی ترامپ اما نشان می‌دهد هدف آمریکا بسیار فراتر است. جیمز استاوردیس، دریاسالار بازتشنسته آمریکایی می‌گوید: «اعزام سه ناوشکن به نزدیکی آب‌های ساحلی ونزوئلا به معنای آن است که ایالات متحده در حال ایجاد یک ظرفیت بسیار فراتر شامل حملات تهاجمی با موشک‌های تاماهاک و پیاده کردن نیرو است.»

کارشناسان می‌گویند محرمانه باقی ماندن جزئیات فرمان رئیس‌جمهور که مشخص نمی‌سازد دامنه عمل نیروها تا چه حد خواهد بود بر نگرانی‌های افزاید.

اقدامات اخیر ایالات متحده یادآور دو حادثه تاریخی است که در آغاز دو جنگ بزرگ تاریخ آمریکا در قرن بیستم نقش اساسی داشتند.

مسود اول، حادثه خلیج تونکین بود که در آن، فعالیت‌های تهاجمی نیروی دریایی آمریکا در سواحل ویتنام شمالی به یک رویارویی نظامی منجر شد. رئیس‌جمهور وقت، لیندون بی. جانسون، با استناد به همین رویارویی، قطعنامه‌ای از کنگره دریافت کرد و از آن به عنوان مجوزی برای گسترش مداخله مستقیم آمریکا در جنگ ویتنام استفاده نمود. (دولت وقت به‌دورگیری ادعایی در تاریخ‌های ۲ و ۴ آگوست ۱۹۶۴ استناد کرد؛ اما سال‌ها بعد فاش

اقدام نظامی

استقرار گسترده نیروهای نظامی آمریکا در نزدیکی

شد که به احتمال زیاد، حمله دوم هرگز رخ نداده بود.)

در حادثه دوم، در دسامبر ۱۹۸۹، دولت جورج اچ. دبلیو. بوش بیش از ۲۰٬۰۰۰ سرباز آمریکایی را برای حمله به پاناما و دستگیری رهبر دیکتاتور این کشور، مانوئل نوریگا، اعزام کرد. پیش از این، علیه نوریگا در ایالات متحده به اتهام قاچاق مواد مخدر کیفرخواست صادر شده بود. او در سال ۱۹۹۲ محکوم و در سال ۲۰۱۷ با پاناماسیتی درگذشت.

برایان فینوکین، از وکلای سابق وزارت امور خارجه آمریکا و متخصص قوانین جنگی، می‌گوید اگر دولت بخواهد از نیروی نظامی علیه ونزوئلا بهره گیرد، باید برای کسب مجوز به کنگره مراجعه کند. او می‌گوید، هر چند نمونه‌های فراوانی از کشورهایی وجود دارد که از حوادث مختلف به عنوان بهانه‌ای برای شروع جنگ استفاده کرده‌اند، «اما اگر خود آمریکا به دنبال دردرسر بگردد و جنگ را آغاز کند، این اقدام، دفاع از خود محسوب نمی‌شود.» فینوکین همچنین اشاره می‌کند که تحلیل این وضعیت دشوار است، زیرا دولت ترامپ اهداف متناقضی را در قبال ونزوئلا دنبال می‌کند. او معتقد است که تمایل این دولت به استفاده از نیروی نظامی علیه کارتل‌های مواد مخدر و برکناری آقای مادورو از قدرت، با تمایل دیگرش برای متقاعد کردن آقای مادورو به همکاری جهت پذیرش تعداد بیشتری از مهاجران ونزوئلایی اخراج‌شده، در تضاد قرار دارد. فینوکین افزود که این صفارایی نظامی ممکن است در نهایت، بخشی از یک کارزار فشار برای دستیابی به هدف دوم (یعنی وادار کردن ونزوئلا به پذیرش مهاجران) باشد.

▼ یک بهانه به سبک ترامپ

مقام‌های دولت ترامپ مدعی هستند که در زمان ریاست‌جمهوری بایدن، موجی از ونزوئلایی‌ها، که اکثرشان از هرچومرج سیاسی و اقتصادی این کشور در دوران مادورو می‌گریختند، به‌سوی ایالات متحده سرازیر شدند. بر اساس ادعای آن‌ها، ظاهراً برخی از اعضای باندهای تبهکار ونزوئلایی، از جمله گروهی به نام «ترن د آراگوا» (Tren de Aragua)، در میان آن‌ها بودند.

در ماه مارس، ترامپ فرمانی را امضا کرد که بر اساس آن می‌توانست از قانون دشمنان بیگانه (Alien Enemies Act)، قانونی مربوط به اخراج در زمان جنگ از قرن هجدهم که از زمان جنگ جهانی دوم به آن استناد نشده بود، برای فرستادن اعضای مظنون باند «ترن د آراگوا» به یک زندان بدنام در السالوادور، بدون برخورداری از روند دادرسی عادلانه، استفاده کند. از آن زمان، احکام دادگاه این‌گونه نقل و انتقالات را متوقف کرده است.

ترامپ با استناد به این قانون، اعلام کرد که «ترن د آراگوا» عملاً بازوی دولت ونزوئلا است و به دستور مادورو در حال ارتکاب جنایت در ایالات متحده است. اما به گفته مقامات مطلع از موضوع و بر اساس یادداشتی که در ماه مه از طبقه‌بندی خارج شد، آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا بر این باور نیستند که دولت ونزوئلا این باند را هدایت و کنترل می‌کند.

مشخص نیست که دولت چگونه قوانین داخلی و بین‌المللی

